

رساندن گنجینه‌ها به آیندگان

تاکون نام ۶ نفر از نادره کاران خراسانی

در فهرست ملی حاملان میراث ناملموس ثبت شده است

بعضی آدم‌ها دست بالای دستشان نیست. اگر نباشند، دنیا چیزی کم دارد. آن‌ها دومی ندارند. این‌طور نیست که فقط همسر و بچه و مادر و پدرشان به وجودشان افتخار کنند. نام آن‌ها سر زبان یک کشور و حتی جهان افتاده است. وقتی جایی نامی از ایشان برده می‌شود، همه هم‌وطنانشان سر بالا می‌گیرند و غروری زیر پوستشان می‌دود. عمر این آدم‌ها بر سر هنری، علمی یا فنی صرف شده است، نه اینکه بی‌هوا بر باد رفته باشد. وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری از این اشخاص با عنوان «مفاخر حامل میراث ناملموس» یا «حاملان میراث ناملموس» و هم چنین «نادره کاران» نام می‌برد و از سال ۱۳۹۵ به جمع آوری فهرست اسامی این افراد در سطح ملی اقدام کرده است. همین سال نام استاد غلامرضا نبی پور به عنوان نخستین نادره کار در این فهرست به ثبت رسید. نبی پور از استادان قنات کار گنابادی بود که سال ۱۳۹۷ در دنیا رفت. سازمان جهانی یونسکو نیز که این حرکت از آنجا شروع شد، از چنین اشخاصی با نام «گنجینه‌های زنده بشری» یاد می‌کند و حفظ و نگهداری میراث آنان را جزو اهداف خود قرار داده است. در گزارش پیش رو، به دنبال پاسخ این سؤال‌ها رفته‌ایم که آغاز این جریان در سطح جهانی از چه زمانی اتفاق افتاده و تاکون نام چه اشخاصی از استان خراسان رضوی در این فهرست جای گرفته است، بعد از ثبت قرار است چه اتفاقی برای نادره کاران بیفتد و آیا عایدی برای آنان خواهد داشت.



فاطمه خلخالی استاد

جای چه کسانی در فهرست نادره کاران است؟

جامعه جهانی لزوم نگهداری از میراث فرهنگی ناملموس را به رسمیت شناخته است. کنوانسیون میراث فرهنگی ناملموس، یک معاهده بین‌المللی است که سال ۲۰۰۳ از سوی یونسکو به تصویب رسیده است. قانون الحاق جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون در سال ۱۳۸۴ و نیز آیین‌نامه اجرایی این قانون مصوب ۱۳۸۷ هیئت وزیران نشان دهنده پیوستن ایران به این جریان است. همه می‌دانیم بسیاری از جلوه‌های میراث فرهنگی ناملموس همچون ادبیات شفاهی، هنرهای اجرایی و آیین‌ها و مراسم اجتماعی به دلیل کم شدن تعداد دارندگان و استادان این میراث منووی و تمایل نداشتن نسل جدید به فراگیری آن‌ها در خطر نابودی قرار دارند. به همین دلیل، تهیه فهرست حاملان میراث معنوی ناملموس نیز به این جریان جهانی افزوده شد تا این گنجینه‌های زنده بشری به رسمیت شناخته شوند و اقدامات لازم برای نگهداری از دانش و مهارتشان و انتقال و آموزش آن به نسل‌های بعد انجام گیرد.

به همین منظور، تهیه فهرست ملی «مفاخر حامل میراث ناملموس» ایران طبق مصوبه مرداد ۱۳۹۵

شورای عالی سیاست‌گذاری میراث فرهنگی در دستور کار قرار گرفته است. از سال ۱۳۹۵ و بعد از ثبت نام استاد غلامرضا نبی پور در فهرست نادره کاران، تاکون نام ۵ نفر دیگر از استان خراسان رضوی در این بین به ثبت رسیده است: استادان عثمان محمدپرست، علی محمد اعتباری رودی، حسین عزیزی آمارلو، علی اکبر بهاری و علی اصغر عاشق. هم‌چنین پرونده استادان محمد فاروق کبابی پور و اسفندیار تخم‌کار در حال گذراندن مراحل ثبت است. احتمالاً نخستین سؤالی که پیش می‌آید این است که چرا پس از گذشت ۵ سال از تصویب چنین برنامه‌ای، فقط ۵ نفر از استان خراسان رضوی در این فهرست قرار گرفته‌اند.

فقدان گنجینه‌های زنده بشری و فقر میراثی

وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری برای تأیید افراد این فهرست، شرایط و ویژگی‌های خاصی در نظر گرفته است که زنده بودن نخستین آن‌هاست. بعد از آن باید به این موضوع توجه کرد که نادره کاران افرادی هستند که در حد بسیار ممتاز و کم‌نظیری حامل دانش و تخصصی برای خلق یا بازآفرینی مظاهر گوناگون میراث ناملموس اند و



با ز دست‌رفتن آن‌ها، بخش عمده‌ای از این دانش و مهارت نابود می‌شود. در این مفهوم، مجریان و حاملان سنتی و اغلب غیردانشگاهی میراث ناملموس در سطوح جوامع و گروه‌های محلی مورد نظر است. این افراد در یک یا چند مورد از مصادیق میراث، صاحب‌نظر و استاد منحصر به فرد هستند به نحوی که فقدانشان موجب فقر میراث می‌شود.

به گفته محمود طغرایی، مسئول دفتر ثبت میراث فرهنگی، تاریخی و طبیعی استان خراسان رضوی، برای ثبت نام این افراد، محدودیتی از نظر تعداد وجود ندارد ولی با توجه به الزاماتی که برای انتخاب و معرفی‌شان در نظر گرفته شده است، افراد معدودی به تأیید شورای استان و سپس داوران ملی خواهند رسید. هدف از ایجاد فهرست و ثبت مفاخر حامل میراث ناملموس، جز شناسایی و تکریم آنان، انتقال دانش و مهارت استادکاران به نسل‌های جوان‌تر است. مسئول دفتر ثبت میراث استان در این باره می‌گوید: همه استادان خراسان رضوی که تاکون ثبت میراث فرهنگی ناملموس شده‌اند، در منطقه زندگی خود کارگاه آموزشی دارند و میراث خود را به نسل آینده منتقل می‌کنند.

قانونی برای حمایت مادی از نادره کاران وجود ندارد وقتی صحبت از ثبت نام اشخاص نادر در فهرست آثار ملی می‌شود این سؤال پیش می‌آید که آیا از این شخصیت‌ها حمایت مادی و مالی هم خواهند شد.

با اینکه بسیاری از شخصیت‌های بزرگ عرصه فرهنگ و هنر، وضع معیشتی مناسبی ندارند، در طرح تهیه فهرست نادره کاران نیز تا امروز حمایت مالی در نظر گرفته نشده است و لازم است در این زمینه اقداماتی انجام گیرد. طغرایی توضیحاتی در این باره دارد: ما با دادن حکم و برگزاری بزرگداشت و سرزدن به این افراد، سعی در تکریمشان داریم اما باید شیوه‌نامه‌ای برای حمایت مالی از این افراد تدوین شود. استادانی که در حوزه صنایع دستی مشغول اند و در اداره میراث فرهنگی پرونده دارند، بیمه می‌شوند و بخشی از سهم بیمه آن‌ها را دولت می‌پردازد یا به آن‌ها تسهیلاتی مثل وام می‌دهد اما مثلاً درباره هنرمندان موسیقی، شیوه‌نامه‌ای تعریف نشده است. با توجه به اینکه تعداد این افراد در کل کشور چندان زیاد نیست، خوب است برایشان حداقل حقوقی در نظر گرفته شود تا آن‌ها را دلگرم‌تر کند.



با اینکه بسیاری از شخصیت‌های بزرگ عرصه فرهنگ و هنر، وضع معیشتی مناسبی ندارند، در طرح تهیه فهرست نادره کاران نیز تا امروز حمایت مالی در نظر گرفته نشده است و لازم است در این زمینه اقداماتی انجام گیرد



رکاب‌زدن روی مرز

سفرنامه



حمید سلطان آبادیان



امروز یک اتفاق شگفت‌انگیز را تجربه کردم. اتفاقی که قبل از این به آن فکر نکرده بودم و حتی اگر به آن می‌اندیشیدم، در حوزه تصور و اندیشه‌ام، چندان شگفت نبود. اکنون که عبور با دوچرخه از مرز زمینی یک کشور و ورود به کشوری دیگر را تجربه کرده‌ام، می‌دانم که این «عبور» و «انتقال» یک حادثه ساده و معمولی نبوده است و نیست. من رکاب‌زنان از روی یک «مرز» عبور کرده‌ام، خطی که اقلیمی را از اقلیمی دیگر، آسمان و زمین و فرهنگ و دینی را از آسمان و زمین و فرهنگ و دینی دیگر جدا می‌کند. البته می‌دانم بیان کردن این واقعیه با کلمات و در یک جمله کوتاه، اصل مطلب را به هیچ وجه ادا نمی‌کند. این عبور و انتقال را در حال رکاب‌زدن و موبو باید تجربه کرد تا لذت و تغییرات درونی و برونی را جز به جز فهمید و درک کرد. وقتی بعد از ۲۸ روز رکاب‌زدن در جاده‌های کشور هند، وارد جاده‌ای شدم که به مرز زمینی این کشور با بنگلادش منتهی می‌شد، ناخودآگاه احساس کردم یک اتفاق بزرگ در پیش است. نزدیک شدن به مرز هیجان‌انگیز است. جاده زیبای منتهی به مرز با پوشش انبوهی از درختان موز در ۲ طرفش شبیه دالانی سبز است. هند برای من در این دالان سبز تمام می‌شود. با هر بار رکاب‌زدن، این موضوع را بیشتر باور می‌کنم. دل‌تنگی و بغض در هوای پیرامون مرز جریان دارد. دل‌تنگی برای کشوری که در آن روزهای خوبی را سپری کرده‌ام و بغض برای فتح کشوری تازه و ورود به دنیایی متفاوت و نو. برخورد مأموران مرزی با من و همسفرانم بسیار صمیمانه و دوستانه است. مهر خروج از هند در کمترین زمان روی گذرنامه‌هایمان ثبت می‌شود. این مهر یعنی خداحافظ دهلی، خداحافظ تاج‌محل، خداحافظ وارانسای و خداحافظ جاده‌های مهربان کشور رنگ‌ها و رایحه‌ها و مهربانی‌ها. دل‌بستن و دل‌کنند ماجرای است که در سفر، دیده‌دم تکرار می‌شود. ماندن و معنایی ندارد و باید مدام در حرکت بود. «مرز» در دفتر خاطرات سفر، شروع فصلی تازه است. هنگام عبور از خط فرضی مرز، احساس می‌کنم در حال عبور از در باغ مخفی* هستم، یک کشف تازه با همه هیجان‌اتش. مأموران مرزی بنگلادش هم با مهربانی از ما استقبال می‌کنند. دوچرخه هویت سفر ماست و این هویت احساس خوب و خوشایندی در مردم هر کشوری که می‌زبان ما می‌شوند برمی‌انگیزاند. حس خوب عبور از مرز با استقبال خوب مأموران مرزی تکمیل می‌شود. بازرسی و «اما» و «اگر» و «چون» و «چرا» بی‌در کار نیست. مهر ورود به بنگلادش روی گذرنامه‌های ما نقش می‌بندد و این گونه فصل تازه‌ای از سفر برای ما آغاز می‌شود. اگر عبور مسافران از مرز همیشه این‌طور ساده، روان، بدون دردسر و شاد بود، مرزها دوست‌داشتنی‌ترین خط‌خطی‌های روی زمین بودند اما حقیقت این است که همیشه این‌طور و به همین سادگی‌ها نیست. دوچرخه‌هایمان شبیه اسب‌های سرکش و بی‌قراری که تازه از فتح کشوری بازگشته‌اند، طوف به زمین می‌چوبند و رکاب می‌چرخانند.

بنگلادش، این کشور آرام و زیبا، به روی ما آغوش باز می‌کند. با بغض و اشک و در سکوت، از مرز دور می‌شویم و همه حس و حال و هیجانمان را با رکاب‌زدن به نمایش می‌گذاریم. احساس عجیبی است. کمی که از مرز دور می‌شویم همه چیز تغییر می‌کند. آدم‌ها شکل و شمایلشان فرق می‌کند. درخت‌ها، جاده، بوها، رنگ‌ها و صداها تغییر می‌کنند. پیرامون جاده را شالیزارهای نامتناهی پوشانده است و زمین و آسمان، حال و هوا و رنگ و لعاب متفاوتی دارند. در این همه تغییر و تفاوت است؟ این تغییرات را با همه جزئیاتش به این دلیل می‌بینم و احساس می‌کنم که با دوچرخه و به‌آهستگی از دل آن در حال عبورم. این اتفاق و این درک در سفر با هواپیما یا قطار نمی‌افتد. با همه وجود تماشا می‌کنم، گوش می‌دهم، نفس می‌کشم، رکاب می‌زنم و با دست تکان دادن و لیخند زدن به مردمی که کنجکاوانه نگاه می‌کنند، عبور از مرز و آغاز فصل تازه سفر را جشن می‌گیرم.



* اشاره به کتاب باغ مخفی (The Secret Garden) نوشته فرانسویس هاجسن برنت

استاد نوازندگی سازهای سرنای و کمانچه/متولد ۱۳۳۷ سرنای، دهل سروایت، برشاهی

علی اصغر عاشق

علی اصغر عاشق در نوازندگی با سازهای سرنای و دهل مهارت دارد و در نوازندگی با قوشمه از استادان برجسته روستای عادل‌آباد از توابع شهرستان خوشاب است. او در سال‌های فعالیت هنری‌اش، جلوه‌های زیبایی از هنر موسیقی این خطه را در جشنواره‌های مختلف به نمایش گذاشته است. استاد عاشق به‌جز فرزندان خود تعدادی از جوانان با استعداد روستا را نیز آموزش داده است، اما به دلیل جایگزین شدن تدریجی سازهای مدرن و همچنین بی‌علاقگی نسل جوان به یادگیری سازهای محلی و باستانی، خطر نابودی تدریجی این هنر و سنت وجود دارد.

استاد نوازندگی سرنای، قوشمه و کمانچه/متولد ۱۳۳۷ سرنای، دهل سروایت، برشاهی

علی اکبر بهاری

علی اکبر بهاری از عاشق‌های بنام و استادان برجسته حوزه موسیقی محلی کردی کرمانجی خراسان است. او در نوازندگی با سازهای سرنای، قوشمه و کمانچه مهارت دارد. استاد بهاری به‌ویژه در نوازندگی با سرنای از استادان برجسته شمال خراسان است. بهاری می‌یابد و با قبول گندم از مردم منطقه برایشان آرد تهیه می‌کند. دانش و فن ساخت بنای آسبادهای و اجزای مکانیکی این بنا در دستان استاد اعتباری است و هنوز اطلاعاتش به فرد دیگری منتقل نشده است. یعنی در صورت ازکار افتادگی حاج علی‌محمد، عملاً گردش تنها آسبادهای خراسان رضوی نیز متوقف خواهد شد.

استاد دانش و فن ساخت آسبادهای متولد ۱۳۱۴، خواف، نشتخان

علی محمد اعتباری رودی

اعتباری به عنوان استادی باتجربه و ماهر در مرمت و راهاندازی آسبادهای نشتخان نقشی بسزا داشته است. با توجه به بالا رفتن سن اعتباری، دیگر به‌سختی توانایی تعمیر آسبادهای را دارد اما در بازه زمانی بهره‌برداری از وزش بادهای صدمیست‌روزه، بیشتر اوقات برای به حرکت درآوردن چرخ آسبادهای محل حضور می‌یابد و با قبول گندم از مردم منطقه برایشان آرد تهیه می‌کند. دانش و فن ساخت بنای آسبادهای مکانیکی این بنا در دستان استاد اعتباری است و هنوز اطلاعاتش به فرد دیگری منتقل نشده است. یعنی در صورت ازکار افتادگی حاج علی‌محمد، عملاً گردش تنها آسبادهای خراسان رضوی نیز متوقف خواهد شد.

استاد دانش بومی حفر قنات متولد ۱۳۰۷، گناباد

مرحوم غلامرضا نبی‌پور

غلامرضا نبی‌پور از نادر استادان قنات‌کار بود که از دوران نوجوانی با شاگردی استادکاران قدیم، این دانش بومی را آموخت و برای حفر و پایش قنات در گناباد که از عصر هخامنشیان تا عصر حاضر در این منطقه مورد بهره‌برداری است، آن‌ها را به کار برد. چون خودش را مسئول می‌دانست، به‌طور دائم دانسته‌ها و تجربیاتش را در اختیار جوان‌ترهایی قرار می‌داد که وارد این حرفه می‌شدند. استاد نبی‌پور در شناسایی، حفاظت و معرفی قنات قصبه گناباد و در فرایند آماده‌سازی پرونده این میراث زحمات بسیاری کشید. نبی‌پور در سال ۹۵ به عنوان نخستین نادره کار در فهرست حاملان میراث فرهنگی ناملموس کشور قرار گرفت و سال ۱۳۹۷ نیز از دنیا رفت.

استاد دوتارنوازی و موسیقی مقامی متولد ۱۳۰۷، خواف

عثمان محمدی دوست

استاد عثمان محمدپرست میراث‌دار هنر دوتارنوازی و یکی از برترین‌های موسیقی مقامی نوایی است. او با نوآوری در نواختن ساز دوتار و خلق و ابداع روش‌های جدید فارغ از محدودیت‌های این ساز، هنرنمایی می‌کند. این هنرمند خراسانی افتخارات زیادی در جشنواره‌های داخلی و خارجی به دست آورده است و هم‌اکنون در نودویک سالگی توان راه‌رفتن ندارد، گرچه همچنان هنر آفرینی می‌کند و با نواختن سازش، از مهمانانی که همواره به دیدارش می‌روند پذیرایی می‌کند. استاد عثمان به عنوان نخستین دوتارنواز و استاد در منطقه، شاگردان معروف و قابل‌تربیت کرده است.

استاد سازنده و نوازنده دوتار/متولد ۱۳۴۲ تربت‌جام، صیدآباد

اسفندیار تخم‌کار علیایی

استاد اسفندیار تخم‌کار سازنده ساز و نوازنده دوتار است. او از شش‌سالگی در کنار پدرش به آموختن دوتارنوازی مشغول شد و از سال ۱۳۶۷ به اتفاق تعدادی از مشتاقان و هنرمندان تربت‌جام، گروه موسیقی محلی «شیدای شیخ‌جام» را تشکیل داد. این هنرمند خراسانی چندین سال رئیس انجمن موسیقی تربت‌جام و نیز داور چند دوره از جشنواره موسیقی جوان بوده است. از مقام‌های معروف استاد اسفندیار می‌توان به مقام اشترخجو اشاره کرد که مقام جدایی و فراق است.

استاد خوندگی ترانه‌های فولکلور کردی متولد ۱۳۲۲، قوچان

حسین عزیزی آمارلو

حسین عزیزی آمارلو از آخرین بازمانده لولوچی‌های بنام و استادان برجسته حوزه موسیقی محلی کردی کرمانجی خراسان است. او استاد بزرگ خوانندگی ترانه‌های فولکلور کردی است که میراث گذشتگان را به شیوه‌ای درست به اجرا درمی‌آورد. عزیزی در عمر پربارش و ۵۰ سال فعالیت، با کسب عنوان‌های برتر، قدرت آواز خود را به نمایش گذاشته است. آوای پرطنین و پراحساسی او در فیلم «تخته‌سیاه» از او چهره‌ای مبتلای ساخت. استاد عزیزی در سال‌های اخیر، به دلیل عارضه سکت، بخش زیادی از سلامتی و توانایی‌اش در اجرای ترانه‌های فولکلور خراسان را از دست داده است.

استاد جمع‌آوری و اجرای آیین‌های نمایشی و سنتی متولد ۱۳۳۰، تربت‌جام

محمد فاروق کبابی پور

استاد محمد فاروق کبابی پور از حاملان میراث ناملموس در زمینه آیین‌های نمایشی و سنتی است که از سال ۱۳۴۴ به جمع‌آوری، تدوین و اشاعه این هنر باستانی مشغول است. با پیگیری او، هنر آیین‌های نمایشی ایرانی با عرصه‌های جهانی گداشته و افتخارات بسیاری برای کشور کسب کرده است. از آیین‌های اجرایی کبابی پور می‌توان به آبر، حتن، مشق پلکان، چوب‌بازی، گل پتی‌خان و حتایی اشاره کرد که بعضی از آن‌ها را امروز فقط خودش اجرا می‌کند. متأسفانه ابتلای او به بیماری، باعث ضعف قوای جسمانی‌اش شده است. کبابی پور ۲ فرزند پسر دارد که نزد پدر به فنون و مبانی این هنر دست یافته‌اند و هم‌اکنون گروه هنری استاد را همراهی می‌کنند.